

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



# فرسایش قدرت نرم

(مردم، دولتها و اعتماد)

جوزف نای

فیلیپ زلیکو-ویویدکینک

بامقدمه: دکتر اصغر افشاری

ترجمه: دکتر سعید میرزایی



## فرسایش قدرت نرم

(مردم، دولت‌ها و اعتماد)

ویراستاران: جوزف نای، فیلیپ دی زلکیو، دیوید کینگ

ترجمه: دکتر سعید میرترابی

بامقدمه: دکتر اصغر افتخاری

ناشر: دانشگاه امام صادق (ع)

و دبیرخانه همایش عملیات روانی

طرح جلد: گلناز حسامی

شمارگان: ۲۰۰۰

چاپ اول: ۱۳۸۹

چاپ و صحافی: زلال کوثر

قیمت: ۹۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۷۴-۶۰-۷

ISBN: 978-600-5574-60-7

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، ص.ب، ۱۵۹-۱۴۶۵۵ تلفن: ۸۸۳۷۰۱۴۲

عنوان و نام پدید آور :	فرسایش قدرت نرم (مردم، دولت‌ها و اعتماد)   ویراستاران   جوزف نای، فیلیپ زلکیو، دیوید کینگ؛ ترجمه سعید میرترابی.
مشخصات نشر :	تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، دبیرخانه همایش عملیات روانی، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری :	۵۴۱ ص.
شابک :	۹۵۰۰۰ ریال: 978-600-5574-60-7
وضعیت فهرست نویسی :	فیبا
یادداشت :	عنوان اصلی: <i>government Why people don't trust</i>
یادداشت :	کتابنامه
شناسه افزوده :	میرترابی، سعید، ۱۳۵۱ -
شناسه افزوده :	دانشگاه امام صادق (ع)
رده بندی کنگره :	JK۷۶۴/ف۴ ۱۳۸۹
رده بندی دیویی :	۳۰۶/۲۰۹۱۳۰۹۰۴۹
شماره کتابشناسی ملی :	۷۵۷۸۶۸۱

## فهرست مطالب

۹	.....سخن ناشران
۱۱	.....مقدمه: اعتماد ملی و امنیت اجتماعی؛ رویکردی اسلامی/دکتر اصغر افتخاری
۴۳	.....دیباچه
۴۹	.....پیش در آمد: کاهش اطمینان به دولت در آمریکا/ جوزف نای
۵۷	.....گستره دولت
۶۰	.....عملکرد
۶۴	.....عوامل اقتصادی نارضایتی
۶۹	.....عوامل اجتماعی و فرهنگی نارضایتی
۷۲	.....عوامل سیاسی نارضایتی
۷۶	.....نتیجه گیری

## بخش اول: گستره و عملکرد دولت

۸۵	.....فصل اول: گستره در حال تحول دولت/ارنست می
۸۷	.....گستره دولت پیش از عصر مدرن
۹۸	.....نخستین انقلاب تکنولوژیکی، اقتصادی- اجتماعی، ۱۸۵۰-۱۷۶۰
۱۱۰	.....دومین انقلاب تکنولوژیکی- اقتصادی- اجتماعی ۱۹۵۰-۱۸۵۰
۱۳۰	.....سومین انقلاب صنعتی؟- ۱۹۵۰

۶ ♦ فرسایش قدرت نرم

- ۱۴۷..... فصل دوم: سنجش عملکرد دولت/ درک بوک
- ۱۴۸..... روش‌های متفاوت سنجش
- ۱۵۵..... نتایج ارزیابی‌های تاریخی و مقایسه ای عملکرد دولت
- ۱۶۲..... نتیجه گیری
- فصل سوم: مغضوب واقع شده: کاهش اعتماد مردم به دولت در آمریکا
- ۱۷۷..... /گری اورن
- ۱۸۱..... چه بر سر بی‌اعتمادی عمومی آمده است؟
- ۱۸۸..... جستجوی علل
- ۱۹۰..... «تحلیل» رضایت عمومی
- ۱۹۵..... برداشت‌های شهروندان
- ۲۱۳..... انتظارات‌های شهروندان
- ۲۱۷..... چه کاری می‌توان - باید انجام داد؟

بخش دوم: نرسد انتظارات مردم از دولت

- ۲۳۶..... فصل چهارم: آیا واقعاً اقتصاد مهم است؟ روبرت زد لاورنس
- ۲۳۹..... عملکرد
- ۲۴۰..... دولت در حال گسترش
- ۲۴۲..... تورم همراه با رکود
- ۲۴۴..... نابرابری در حال افزایش
- ۲۴۷..... انتخابات‌های دشوار
- ۲۴۹..... توضیحات
- ۲۶۲..... برداشت‌ها
- ۲۶۷..... نتیجه گیری

فصل پنجم: عوامل اجتماعی و فرهنگی نارضایتی

- ۲۷۳..... از دولت ایالات متحده/جین مینس بریج

فهرست مطالب ♦ ۷

پیش درآمد.....	۲۷۳
عملکرد و سنگین شدن بار وظایف.....	۲۷۶
مشکلات در حال پیدایش.....	۲۷۶
انتظارهای در حال افزایش.....	۲۸۷
منابع غیردولتی در حال زوال.....	۲۹۲
برداشته‌ها.....	۲۹۸
تصمیم‌های دشوار.....	۳۰۳
<b>فصل ششم: قطبی شدن احزاب آمریکا</b>	
و بی‌اعتمادی به دولت/ دیوید سی. کینگ.....	۳۱۱
روندها در ایدئولوژی سیاسی از دهه ۱۹۶۰ تاکنون.....	۳۱۴
تغییرات در وفاداری‌های حزبی از ۱۹۶۰ تاکنون.....	۳۲۳
ریشه‌های بی‌اعتمادی به دولت در قطبی شدن احزاب.....	۳۴۱
نتیجه‌گیری.....	۳۴۷
<b>فصل هفتم: سیاست بی‌اعتمادی/ ریچارد نی نیوشتاد.....</b>	
<b>بخش سوم: داده‌دوره نگرش‌های عمومی نسبت به حکمرانی</b>	
<b>فصل هشتم: نگرش‌های در حال تغییر در آمریکا روبرت جی. بلندون. جان ام.</b>	
بنسون، ریچارد مورین، دراوئی، التمن، مولیان برودی، ماریو بروسارد و مت جیمز.....	۴۰۹
اعتماد عمومی دولت.....	۴۱۰
دلایل آمریکایی‌ها در بی‌اعتمادی به دولت.....	۴۱۶
اعتماد عمومی به رهبران.....	۴۱۹
کاستی‌های برداشت شده نسبت به دولت.....	۴۲۱
اعتماد به افراد.....	۴۲۵
<b>فصل نهم: ارزش‌های فرامادی و فرسایش اقتدار نهادی/ رونالد اینگلهارت.....</b>	
هنجارهای مرتبط با قدرت.....	۴۳۶

- فصل دهم: اعتماد عمومی و دموکراسی در ژاپن / سوزان جی. فار..... ۴۶۱
- آیا دموکراسی ژاپن پدیده ای متفاوت است؟..... ۴۷۳
- مشکلات اقتصادی به عنوان عامل نارضایتی..... ۴۷۵
- «مشروعیت دیداری» در برابر «دیدار سالاری»..... ۴۷۷
- نتیجه گیری..... ۴۸۳
- نتیجه گیری: تأمل‌ها، گمانه زنی‌ها و معماها/ جوزف اس. نای؛ فیلیپ دی. زلیکو..... ۴۸۹
- مشکلات در توضیح پدیده بی‌اعتمادی..... ۵۰۷
- در هم آمیختن عوامل مختلف در توضیحی واحد..... ۵۱۴
- اما آیا بی‌اعتمادی مهم است؟..... ۵۲۶
- معرفی نویسندگان مقاله‌های کتاب..... ۵۳۹



## سخن ناشران

طرح مفهوم سرمایه اجتماعی در حوزه مطالعات قدرت نرم از اهمیت و ارزش نظری- کاربردی بالایی برخوردار بوده است؛ چراکه این سرمایه منبع قدرت نرم و مصداق بارز آن در مقام عمل به‌شمار می‌آید. به همین خاطر است که توجه بسیاری از تحلیل‌گران حوزه «قدرت نرم» به این مفهوم جلب و پیرامون آن پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است.

درمیان مفاهیم اصلی حوزه سرمایه اجتماعی نیز «اعتماد» از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که بزعم کارشناسان می‌توان اعتماد را به مثابه منبع اصلی تولید قدرت نرم و مؤثر در ضریب نفوذ قدرت سخت، ارزیابی نمود. ملاحظاتی از این قبیل منجر شده تا پرسش از نسبت سه عنوان اصلی (مردم، دولت و اعتماد) نزد نظریه‌پردازان قدرت نرم مطرح و اولویت یابد.

اثر حاضر از آن حیث که به این سؤال مهم پرداخته و تلاش دارد تا تحلیلی علمی از وضعیت این سه مؤلفه در جوامعی خاص ارائه نماید، در خور توجه می‌نماید. اگرچه داده‌ها و تحلیل‌های ارائه شده در این اثر را نمی‌توان تماماً قرین صحت ارزیابی نمود، اما ناشران اطلاع از محتوای این اثر را برای کارشناسان و پژوهش‌گران علاقه‌مند به نظریه قدرت نرم در ایران، ضروری و مفید می‌دانند. چراکه: اولاً- ساختار نظری ارائه شده قابل تأمل و

استفاده در نظریه‌پردازی‌های بومی (البته با استفاده از رویکردهای انتقادی) است؛ ثانیاً- نحوه کاربست نظریه در خصوص تحلیل وضعیت دولت در جوامعی چون آمریکا و ژاپن و تبیین چرایی ضعف یا تقویت جایگاه دولت در این جوامع مستند به مبانی قدرت نرم‌شان، نیز قابل توجه بوده و می‌تواند در شناخت و تحلیل جایگاه دولت در جوامع معاصر مفید واقع گردد.

کتاب حاضر از جمله آثاری است که ناشران در مجموعه مطالعاتی «قدرت نرم» تهیه و آن را عرضه داشته‌اند و امید دارند از این طریق بتوانند به تقویت رویکرد انتقادی در این زمینه کمکی نمایند. استقبال خوب بعمل آمده از مجلدات پیشین این مجموعه که به چاپ دوم مجلدات اول تا سوم (در کمتر از یک‌سال) منتهی شد؛ حکایت از آن دارد که توسعه مطالعات نظری و غنی‌سازی مفهومی این مقوله، نیازی راهبردی به شمار می‌آید که ناشران امید دارند با کمک جامعه علمی بتوانند به آن پاسخ گفته و از این طریق در ساخته شدن رویکردی بومی (اسلامی- ایرانی) ایفای نقش نمایند.

در این راستا، ناشران همچون قبل از تمامی پژوهش‌گران صاحب اندیشه در این زمینه جهت دریافت و نشر آثارشان دعوت به همکاری می‌نمایند. بنا بر عنایت به حجم مطالعات بومی و بررسی‌های تطبیقی (با تأکید بر مبانی دینی) و تجارب ایرانی، در اولویت قرارداشته و تلاش می‌شود تا رویکرد اسلامی و ایرانی در موضوع قدرت نرم، تبیین، تقویت و توسعه یابد.

مقدمه

## اعتماد ملی و امنیت اجتماعی: رویکردی اسلامی

دکتر اصغر افتخاری\*

کلیات

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (قرآن کریم. سوره مبارکه النور (۲۴). آیه شریفه ۵۵).

تأمل در این وعده الهی، حکایت از حاکمیت اصلی مهم در حیات انسانی دارد و آن هم اینکه «امنیت» تابعی از «حال انسان» تا توان مندی ظاهری او است. در این آیه شریفه خداوند «امنیت» را با «ایمان» و عمل صالح برآمده از آن مرتبط می‌داند و اشاره‌ای به ابزار یا تسلیحات جنگی جهت رسیدن به سلطه و استقرار موقعیت جوامع نمی‌نماید. معنای این سخن بی‌ارزشی منابع سخت قدرت در گفتمان سیاسی اسلام نیست؛ چنان که در آیات دیگری به این ابزارها و شأن آنها اشاره شده است، اما آنچه نباید از نظر دور داشت، مرجعیت

---

\* عضو هیأت علمی و معاون پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

- <http://www.Fftekhary.ir>
- Fftekhari\_asg@yahoo.com

و نقش محوری‌ای است که «قلوب» در مقایسه با «آیدی» (تشبیه قدرت نرم به امر قلبی و قدرت سخت به توان ظاهری بازیگر) در گفتمان اسلامی، دارا است. از این منظر تحول حالت درونی انسان نقطه آغازین را شکل می‌دهد و در پی آن عمل صالح و در نتیجه سلطه و اقامه حکومت رخ می‌دهد که «خوف» را به «ایمنی» تبدیل می‌سازد و این فرآیند، فرآیندی از شرک به ایمان واقعی است. از این منظر می‌توان در پاسخ از نسبت «امنیت» با «اعتماد» این فرضیه ترکیبی را مطرح ساخت که:

**الف.** در اسلام ساخت اجتماعی امنیت منجر می‌شود تا مؤلفه‌های نرم‌افزارانه نقش عامل مسلط را در تعریف، تکوین و تقویت امنیت دارا باشند.  
**ب.** عنصر «اعتماد» بدلیل ارتباطش با «خودشناسی» در حلقه مرکزی ساخت اجتماعی امنیت قرار دارد.

نتیجه بر آمده از این دو گزاره، معرف این نظریه است که «اعتماد» نقطه آغازین برای شناخت و استقرار «امنیت» در هر جامعه‌ای می‌باشد. لذا نوع الگوی «اعتماد ملی» در فهم امنیت آن جامعه تأثیرگذار می‌باشد. جهت طرح و تبیین این فرضیه، نخست چارچوب نظری موسوم به گفتمان «امنیت اجتماعی شده» (Societal Security) طرح و تشریح می‌شود. در ادامه، گزاره‌های قرآنی مربوط به کاربرد این گفتمان در عرصه تقویت امنیت جامعه تحلیل و جایگاه اعتماد ملی (در دو شکل مثبت و منفی) نیز در آن مشخص می‌شود. در پایان نیز راهبردهای پیشنهادی جهت تقویت امنیت جامعه بر مبنای ارتقای سطح اعتماد می‌آید.

### ۱. چارچوب نظری: اجتماعی شدن امنیت

«امکان آرایه تعریفی پیشینی از امنیت وجود ندارد، بنابراین مفهوم امنیت باید از حیث معنایی بازتعریف شود ... و هر

بازیگری بتواند با ساختار و ملاحظات [بومی‌اش] آن را بازسازی کند ... گفت‌مان امنیتی اصولاً با مقتضیات بومی معنا و مفهوم می‌یابد» (Waver 1988: 79-80).

چنان‌که «آلی ویور» (Ole Wever) بیان داشته، اهتمام به آرایه تعریفی استاندارد و واحد از امنیت برای کلیه بازیگران، اصولاً ممکن نیست؛ دلیل این امر به «زمینه‌وندی» (Contextual) این مفهوم باز می‌گردد که در نتیجه آن «ساخت اجتماعی» (Social Context) نقش محوری در تعریف امنیت و تعیین معادلات امنیتی می‌یابد. از آنجا که جوامع دارای ساخت اجتماعی متفاوتی هستند، بطور طبیعی امنیت را به صورت متفاوتی درک خواهند کرد. پذیرش این مدعا چنان‌که تحلیل‌گرانی چون «باری بوزان» (Berry Buzan) و همکارانش نشان داده‌اند، رمز ورود به حوزه گفت‌مان اجتماعی از امنیت است (بوزان و دیگران ۱۳۸۶: ۱۸۸-۱۸۳).

اگرچه اصل این مدعا صحیح بوده و بررسی نگارنده در حوزه چیستی امنیت که در قالب نظریه‌ی ایجابی امنیت عرضه شده [۱] مؤید آن می‌باشد؛ اما درک کامل آن نیازمند اتخاذ رویکردی تطبیقی است تا بتوان از این طریق مرز بین امنیت اجتماعی شده با غیر آن را تمیز داد و در نهایت به نقش عناصر شکل دهنده «امنیت اجتماعی شده» - و از آنجمله اعتماد - پی برد. قبل از ورود به این بحث و بررسی روایت‌های آرایه شده از نسبت امنیت و اعتماد لازم می‌آید تا مفاهیم مبنایی مقاله حاضر تعریف و تحدید گردد:

#### اول. امنیت

امنیت در رویکرد سلبی وضعیتی است که در آن منافع بازیگر از ناحیه دیگر بازیگران یا مورد تهدید واقع نشود و یا در صورت وقوع تهدید، توان مدیریت آن برای بازیگر تهدید شونده، وجود داشته باشد. از این منظر امنیت با نبود تهدید تعریف می‌گردد (افتخاری ۱۳۸۰: ۲۲-۱۴).

در رویکرد ایجابی، امنیت به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن میان خواسته‌های ملی و کارآمدی نظام سیاسی نسبتی متعادل وجود دارد؛ به گونه‌ای که در شهروندان تولید رضایت می‌نماید (افتخاری ۱۳۸۰: ۲۵). در مقاله حاضر نگارنده رویکرد ایجابی به امنیت را (بدلیل قوت مبانی فلسفی‌اش و پذیرش موقعیت مستقل برای امنیت) مدنظر دارد.

### دوم. امنیت اجتماعی شده

منظور از «امنیت اجتماعی شده» در مقاله حاضر گفتمانی است که در آن امنیت موضوعی برآمده از جامعه تصویر شده و در نتیجه موضوع امنیت را هویت و هنجارها شکل می‌دهند. این تلقی از امنیت اجتماعی شده با رویکرد ایجابی امنیت تناسب دارد و از «تأمین اجتماعی» که غرض از آن ایجاد پشتوانه حمایتی از شهروندان برای مقابله با آسیب‌ها و تهدیدات ناشی از شبکه پیچیده حیات اجتماعی است؛ متفاوت ارزیابی می‌شود (افتخاری ۱۳۸۵: ۲۲۹-۲۳۳).

### سوم. اعتماد

«اعتماد» مقوله‌ای فرهنگی است که در نسبت بین توقعات و توانمندی‌ها پدید می‌آید و مطابق آن توقع، سیاستی خاص از سوی بازیگری مشخص، شکل می‌گیرد. اعتماد به نفس، این توقع را در سطح تحلیل فردی تعریف نموده و به انطباق انتظارات فرد از خویش با توانمندی اجرایش باز می‌گردد. در صورت شیوع این ویژگی، می‌توان از اعتماد به نفس گروهی، طبقاتی، و ... سخن گفت. گسترده‌ترین سطح اعتماد به نفس در قالب الگوی «ملت - کشوری»، «اعتماد به نفس ملی» می‌باشد که مطابق آن «باور عمومی نسبت به توان ملی جهت تعریف و تحصیل اهداف ملی» شکل می‌گیرد.

با این تعاریف حال می‌توان به بررسی دو روایت اصلی بعمل آمده از امنیت و نسبت آن با جامعه پرداخت: که هر یک الگویی از اعتماد را برمی‌تابد:

### ۱-۱. روایت اول: «امنیت بر جامعه»

مطابق این روایت «امنیت» اگرچه در ارتباط با جامعه می‌باشد، اما نوع ارتباط «موضوعی» می‌باشد. بدین معنا که «جامعه» موضوع امنیت را شکل می‌دهد و لذا در مقام تعریف نظری و عملیاتی امنیت باید به گونه‌ای اقدام نمود که متناسب با «موضوع» (یعنی جامعه) باشد. از حیث معرفت‌شناختی - چنان که جیمز در درین (James der Derian) نشان داده - ربط موضوعی به تغییر و تحول ماهوی امنیت منتهی نمی‌شود، بلکه حداکثر ساختار عینی آن را اصلاح می‌نماید تا بتواند جامعه مورد نظر را کنترل نموده و نظم مورد نظرش را در آنجا محقق سازد (Der Derian 1998: 5).

با مراجعه به قرآن کریم و تحلیل آیات مربوط به سیاست‌های امنیتی دولت‌های جائز و طاغوت‌های مورد بحث در این کتاب شریف، مشخص می‌شود که روایت «امنیت بر جامعه» با سه گزاره راهبردی شناسانده شده است که عبارتند از:

#### ۱-۱-۱. امنیت کالایی تولیدی است که فقط توسط صاحبان قدرت تولید می‌شود.

خداوند متعال در ذکر داستان «قارون» به نکاتی اشاره دارد که نشان می‌دهد، قارون مستند به مجموع توانایی که داشته، از وجود امنیت پایداری برای خود مطمئن بوده است و حتی اکثریتی از مردمان چون او را چنین از مواهب بهره‌مند می‌دیدند، بر این اعتقاد باور داشتند و تمنای وضعیتی مشابه او می‌کردند. در این داستان که در سوره مبارکه قصص آیات شریفه ۷۶ تا ۸۳ آمده، چند نکته کلیدی وجود دارد:

اول. توان‌مندی منحصر بفرد

«إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنْ  
الْكَنْزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ  
لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ» (قرآن کریم. سوره مبارکه  
القصص (۲۸). بخشی از آیه شریفه ۷۶).

یعنی آن که قارون از حیث بهره‌مندی از ثروت و امکانات دنیوی چیزی کم نداشت، تا آنجا که حمل کلید گنج‌های او از کثرت، برای افرادی تنومند و قدرتمند، نیز حتی خسته کننده بود.

دوم. خود/تکایی

«قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي...» (قرآن کریم. سوره  
مبارکه القصص (۲۸). بخشی از آیه شریفه ۷۸).

باور قارون نیز بر این بود که این توان‌مندی و تمول از ناحیه تدبیر و علم او حاصل آمده است. لذا اعتمادی تمام به توان خویش یافته بود که او را از خدای متعال بی‌نیاز می‌ساخت. به همین خاطر است که خداوند همین باور را نخست نقد می‌کند و در ادامه آیه شریفه ۷۷ سوره مبارکه قصص، می‌فرماید:

سوم. اعتماد منفی

«...أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ  
أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا...» (قرآن کریم. سوره مبارکه  
القصص (۲۸). بخشی از آیه شریفه ۷۸).

معنای این سخن آن است که «اعتماد منفی» موردنظر با رجوع به تاریخ جوامع انسانی، رنگ می‌بازد. چرا که پیش از قارون قدرت‌های بسیار بزرگتری هم بوده‌اند که همگی توسط خدای متعال هلاک شده‌اند. البته مردمان از این حافظه تاریخی بی‌بهره‌اند و لذا چون قارون را چنین دیدند، تمنای داشتن موقعیتی مانند او می‌کردند:



چهارم. اعتماد مثبت

«...يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ. وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَاقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ» (قرآن کریم. سوره مبارکه القصص (۲۸). آیات شریفه ۷۹-۸۰).

در این دو آیه، نکته مهمی نهفته است و آن نقش محوری «علم» است که می‌تواند در تبدیل اعتماد منفی به اعتماد مثبت مؤثر باشد. در حالی که اکثر مردم آرزوی موقعیت قارون را داشتند، فقط صاحبان علم بودند، که به حقیقت رهنمون شده و ایشان را از عاقبت سوء، قارون پیشاپیش تحذیر می‌دادند. در پایان آیه نیز عنصر «صبر» در کنار «علم» برای رسیدن به چنین مرتبه‌ای مورد تأکید قرار گرفته است.

نتیجه آن که، در منطقی قرآنی امنیت جامعه صرفاً مقوله‌ای مبتنی بر توانمندی ظاهری و قدرت سخت‌افزاری ارزیابی نمی‌شود و این معنا را در داستان قارون و پس از هلاکت وی، مردم چنین اعتراف می‌کنند که:

«وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيُكَانُّ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْ لَأَنَّ مِنَ اللَّهِ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بَنَّا وَيُكَانُّهُ لَأَيُّهَا الْكَافِرُونَ. تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (قرآن کریم. سوره مبارکه القصص (۲۸). آیات شریفه ۸۳-۸۱).

بعبارت دیگر توانمندی و اعتماد به این امکانات تنها در صورتی امنیت‌ساز خواهد بود که با «علو» و «فساد» همراه نشود و از این حیث اصول و هنجارهای ارایه شده از سوی الله، به نوعی رعایت گردد.

## ۲-۱-۱. امنیت جامعه در گرو مدیریت و دفع تهدیدات دیگران است.

در این روایت میزان دغدغه خاطر نسبت به نوع رفتار دیگر بازیگران و تهدیداتی که ایشان تولید می‌کنند، به مراتب بیشتر از دغدغه و نگرانی‌ای است که متوجه نوع سیاست و رفتار حاکمان در داخل می‌باشد. بعبارت دیگر برای ایشان امنیت مقوله‌ای برون‌گرا تا درون‌گرا می‌باشد. برای همین هم است که ایشان پیوسته نگران تهدیدهای بیرونی تا آسیب‌های درونی هستند. در این حالت نیز نوعی اعتماد منفی شکل می‌گیرد که مبتنی بر خوش‌بینی مفرط به وضعیت درونی و بدبینی مفرط به عملکرد بازیگران بیرونی است. در داستان حضرت موسی (ع) و نوع برخورد فرعون با او، این تحلیل آمده است؛ آنجا که می‌خوانیم:

«ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ وَهَارُونَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ» (قرآن کریم. سوره مبارکه یونس (۱۰). آیه شریفه ۷۵).

اتخاذ سیاست استکباری حکایت از اوج اعتماد به نفس فرعون به موقعیت او در داخل دارد (سلمان بلخی ۱۳۸۰: ۳۹۱)؛ به گونه‌ای که تفکر برتری فرعون را به نفع خویش حاکم ساخته بود و بر این اعتقاد بود که همگان بر این اعتقادند و جامعه‌ای کاملاً تحت اختیار دارد. این یکپارچگی از ناحیه حضرت موسی (ع) نیز مورد توجه قرار گرفته و دلیل استقرار فرعون را اینچنین، ارزیابی می‌فرماید:

«وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَئَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوهُ عَنِ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ» (قرآن کریم. سوره مبارکه یونس (۱۰). آیه شریفه ۸۸).

بعبارت دیگر اقتدار فرعونى، او را تا درجه الوهى بالا برده و لذا مردم تحت تأثیر این ایدئولوژى فاسد، مایل به همکارى با حضرت موسى(ع) نبودند. لذا به تصریح در مقابل حضرت (ع) ایستاده، مى گفتند:

«قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَلْفِتْنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمُ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمُ بِمُؤْمِنِينَ» (قرآن کریم. سوره مبارکه یونس (۱۰). آیه شریفه ۷۸).

در چنین وضعیتی بود که فرعون با طیب خاطر، فقط از تهدید «موسى» سخن مى گفت و با اتکاء به همراهى قومش، بر این تصور بود که با کاربرد قدرت ساحران (سوره مبارکه یونس. آیه شریفه ۹: ائتونی بكل ساحر علیم) و یا «لشکریانش» (سوره مبارکه یونس. آیه شریفه ۹۰: فاتبعهم فرعون و جنوده بغیا و عدوا) مى تواند بر تهدید موسى غلبه نماید.

این در حالی بود که ساخت اجتماعی جامعه در حال تحول بود و قدرت فرعونى به طور طبیعى نمى توانست بخاطر از دست دادن حمایت ها و مبانى داخلی اش، استوار بماند. دلیل این امر آن بود که:

اول. سیاست امنیتی فرعون بر «ضلالت» استوار گشته بود؛ چنان که مى خوانیم:

«وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى» (قرآن کریم. سوره مبارکه طه (۲۰). آیه شریفه ۷۹).

محققان در بحث از مفهوم «ضلالت» بر این نکته اشاره دارند که این پدیده با چند وصف کلی در قرآن همراه است (سلمان بلخى ۱۳۸۱: ۳۵۱-۳۵۰):

- ضلالت و کفر؛ چنان که شیطان تصریح کرده: «و لا ضلُّلَهُم» (قرآن کریم. سوره مبارکه نساء (۴). آیه شریفه ۱۱۹)

- ضلالت و لغزش؛ چنان که خداوند خطاب به حضرت داوود (ع) می‌فرماید: «و لا تتبع الهوى فيضلك عن سبيل الله» (قرآن کریم. سوره مبارکه صاد (۳۸). بخشی از آیه شریفه ۲۶).
  - ضلالت و بدبختی؛ چنان که مجرمان، بدبخت تصویر شده‌اند: «ان المجرمین فی ضلالٍ و سُعُرٍ» (قرآن کریم. سوره مبارکه محمد (۴۷). آیه شریفه ۱).
  - ضلالت و تباهی؛ چنان که در وصف کافران آمده: «الذین کفروا و صدوا عن سبیل الله اضل اعمالهم» (قرآن کریم. سوره مبارکه محمد (۴۷). آیه شریفه ۱).
  - ضلالت و نادرستی عمل؛ چنان که در احوال معارضان رسول خدا (ص) آمده: «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا» (قرآن کریم. سوره مبارکه الاحزاب (۳۳). بخشی از آیه شریفه ۳۶).
- با این توضیح مشخص می‌شود که این سیاست از شش ناحیه آسیب‌پذیر می‌نماید و چون نور هدایت توسط حضرت موسی (ع) آشکار می‌گردد، اقتدار فرعونى رو به زوال گذارده متزلزل می‌گردد. بعبارت دیگر سیاست فرعونى اصولاً از ناحیه ساخت اجتماعى تحمل نمى‌شد و دیر یا زود محکوم به زوال بود.
- دوم. سیاست امنیتی فرعون بر زورگویی و اجبار استوار بود که اگرچه افراد در ظاهر از آن تمکین می‌کردند، اما در لایه‌های زیرین در حال فرسایش و زوال بود. بعبارت دیگر «زورگویی» سیاستی آسیب‌پذیر از ناحیه‌ی ساخت اجتماعى ارزیابی می‌گردد؛ چنان که در قرآن کریم، خداوند چنین بیان می‌فرماید:

«... وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ. وَقَالَ مُوسَى يَا قَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ

مُسْلِمِينَ. فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ  
الظَّالِمِينَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه یونس (۱۰). آیات  
شریفه ۸۵-۸۳).

چنان که از این آیه بر می آید (نوع خطاب و پاسخ مؤمنان) نفرت از  
فرعون زمینه زوال الگوی امنیتی حکومت را فراهم آورده بود؛ در حالی که  
فرعون تمام توجهش به سرکوب حضرت موسی (ع) بود.

نتیجه آن که، پاره‌ای از قدرت‌ها به گمان اینکه در حوزه داخلی از  
حمایت کامل برخوردارند، تمام همت خود را در امنیت‌سازی معطوف به  
خارج و مدیریت تهدیدات بیرونی می‌نمایند. این نگرش نوعی اعتماد منفی را  
پدید می‌آورد که خداوند متعال آن را از اوصاف طواغیت دانسته است. در  
داستان فرعون، نیز مشاهده می‌شود که ریشه زوال این نظام را ابتداءً در اموری  
می‌داند که پیش از حضرت موسی (ع) و بعثت او وجود داشته‌اند؛ و سپس  
حضرت (ع) توانسته با فعال‌سازی آنها به سقوط فرعون همت گمارد. بیان  
حضرت حق در این باره چنین است:

«إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ  
طَائِفَةً مِّنْهُمْ يَذَّبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ  
الْمُفْسِدِينَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه القصص (۲۸). آیه  
شریفه ۴).

به این ترتیب، امنیت این جامعه از ناحیه درون تا برون آسیب‌پذیر بوده و  
فعال شدن تهدیدات بیرونی نیز با عنایت به همین آسیب‌ها در داخل میسر  
شده است؛ و این اصلی است که در این روایت از امنیت جامعه کمتر مورد  
توجه صاحبان قدرت قرار می‌گیرد.

## ۳-۱-۱. اولویت تبعیت بر پذیرش جامعه

آخرین مطلبی که در این روایت از امنیت باید بدان توجه داد، ترجیحی است که به «تبعیت» در مقایسه با «پذیرش» داده می‌شود. عبارت دیگر، در روایت «امنیت بر جامعه» به منظور رعایت نسبت امنیت با موضوع آن (یعنی جامعه)، تلاش می‌شود تا جامعه بر انطباق خود با سیاست‌های امنیتی وادار گردد. در نتیجه آنچه در عمل شاهد آن هستیم «تبعیت» و نه «قبول و پذیرش» است. این نکته که جوهره «تبعیت» را تسلیم و جوهره «پذیرش» را «اقناع» شکل می‌دهد؛ تفاوت این دو الگو را روشن می‌سازد. اهمیت این موضوع تا بدانجا است که اندیشه‌گرانی چون «میشل فوکو» (Michel Foucault) از وجود دو نوع قدرت متفاوت سخن گفته‌اند و بر این اعتقادند که «قدرت سلطه‌جو» از «قدرت حقیقت‌جو» بسیار آسیب‌پذیرتر و شکننده‌تر می‌نماید (Smart 1985: 71-91)؛ اگرچه ممکن است در ظاهر بزرگ بنماید اما هرگز «قوی» نمی‌باشد ( Migdal 1988: 24-33).

خداوند متعال در سوره مبارکه یوسف این ملاحظه روان‌شناختی را توجه داده است و بدین ترتیب اعتماد حاصل آمده از طریق زور و اکراه را پدیده‌ای آسیب‌پذیر و غیرکارآمد نشان داده است. «ابو منصور عبدالملک بن محمد ثعالبی» در کتاب الاقتباس، این دو گونه از اعتماد را در رفتار زلیخا و حضرت یوسف (ع) ردیابی کرده است (ثعالبی ۱۳۸۶: ۱۳۰-۱۲۹). آنجا که زلیخا از یوسف تقاضای همراهی می‌کند و او را در مقابل از زندان و اعمال شکنجه بر حذر می‌دارد:

«... وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَيَكُونًا مِّنَ الصَّاغِرِينَ» (قرآن کریم. سوره مبارکه یوسف (۱۲). بخشی از آیه شریفه (۳۲).

در واقع «تبعیت» می‌تواند بازیگر را از آسیب‌ها و تهدیدات حفظ نماید و موجد امنیت باشد؛ اما این سیاست به انطباق موضوع امنیت با منبع قدرت باز می‌گردد که نمی‌تواند پیوسته امری مقبول و مورد تأیید باشد؛ چنان که حضرت یوسف(ع)، آن را موجب ضلالت دانسته و از آن به خدای متعال پناه می‌برد:

«قَالَ رَبِّ السُّجُنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْهُ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه یوسف (۱۲). آیه شریفه (۳۳).

در یک الگوی مطلوب از حکومت، وضعیت متفاوت بوده و شاهد اعتماد مردم به حکومت از ناحیه خرد، پرهیزگاری و کارآمدی آن می‌باشیم. برای مثال در جریان حاکمیت طالوت خداوند، چنین حکایت می‌نماید:

«وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَةً مَّن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (قرآن کریم، سوره مبارکه البقره (۲). آیه شریفه (۲۴۷).

در این آیه الگوی اعتماد عمومی بر بنیاد توان‌مندی ظاهری سنجیده شده و اینکه چون طالوت این شاخص (سعه من المال) را ندارد، لذا شایسته تبعیت نیز نمی‌باشد. اما خداوند متعال با تغییر شاخص و مرجعیت عنصر عقلی و معرفتی (علم) و اولویت بخشیدن آن بر منابع مادی (جسم)، در واقع معرفت را بر قدرت ارجعیت بخشیده و بدین وسیله بنیاد اعتماد را متحول می‌سازد. طبیعی است که اقناع اعتقادی و اصلاح معرفت، التزامی دو چندان می‌آورد؛ چنان که «ثعالبی» در خصوص اقتباس‌های به عمل آمده از این آیه بدان توجه داده است (ثعالبی ۱۳۸۶).

خلاصه کلام آن که پذیرش در قیاس با «تبعیت»، از همراهی و التزام قوی‌تر و استوارتری حکایت دارد و به همین خاطر است که در جامعه ایمانی

این نوع از اعتماد (و نه اعتماد مبتنی بر منفعت یا ترس) موضوعیت دارد؛ چنان که در وصف جامعه نبوی (ص) خداوند این دو الگو رفتاری را از هم تمییز داده و یکسان ندانسته است:

«وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ. وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ. أَفَبِلِئْسِ مِنْهُمْ مَرْصُومٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولَهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه النور (۲۴)، آیات شریفه (۵۱-۴۸).

## ۲-۱. روایت دوم: «امنیت در جامعه»

در این روایت، امنیت به مثابه یک نظریه‌ی از درون جامعه می‌جوشد و لذا ضمن بومی بودن از انطباق بالایی با جامعه برخوردار است. این انطباق نه تحمیلی بلکه ماهوی بوده و از ناحیه حضور هنجارهای یکسان در جامعه و نظریه‌ی امنیتی حاصل آمده است. به همین خاطر هم است که تحلیلگران امنیتی آن را گونه‌ای متفاوت از نظریه‌های سنتی ارزیابی کرده و با وصف «اجتماعی شده» (Societal) و نه با وصف ساده «اجتماعی» (Social)، از آن یاد می‌کنند. [۲] مدلول این روایت در حد بحث حاضر عبارتست از:

### ۲-۱-۱. جامعه مولد امنیت است.

اگر امنیت را برآمده از جامعه بدانیم، در آن صورت این تلقی که جامعه صرفاً موضوع امنیت است، نقد شده و اعتبار خود را از دست می‌دهد. مبنای این سخن آن است که امنیت جامعه را نمی‌توان با گفتمان سلبی فهم نمود و لازم می‌آید از گفتمان ایجابی به آن نگریست (نگاه کنید به یادداشت شماره ۱). این



تلقی از منظر قرآنی یک ره‌آورد مهم دارد و آن مسئولیت اجتماعی در تولید امنیت است:

«... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مِن وَّالٍ» (قرآن کریم، سوره مبارکه الرعد (۱۳). بخشی از آیه شریفه (۱۱).

بنابراین هر گونه و تغییر و تحولی منوط به خواست و اراده عملی جوامع است و چنین نیست که بتوان امنیت را بر عهده و ذمه کانونی دیگر و نهاد و منتظر ماند تا دیگری آن را برای جامعه به ارمغان آورد. ذم خداوند متعال از قوم موسی (ع) از همین ناحیه می‌باشد؛ چرا که بجای خواست و اقدام عملی خود، حضرت موسی (ع) و خداوند را مکلف به مبارزه و ایجاد امنیت می‌دانند. این در حالی می‌باشد که وعده پیروزی نیز به آنها داده شده بود:

«قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّا لَن نُدْخِلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه المائده (۵). آیات شریفه ۲۴-۲۳).

بنابراین می‌توان چنین استنتاج نمود که امنیت در «دورن» ما نهفته است و این نظریه‌ای مترقی در حوزه مطالعات امنیتی فرامدرن به شمار می‌آید که مشابه آن را نمی‌توان نزد اندیشه‌گران معاصر سراغ گرفت. [۳۱] درونی‌سازی امنیت به شکلی که آمد، نه تنها جایگاه و اهمیت عنصر «اعتماد» را افزایش می‌دهد، بلکه دلالت بر آن دارد که بدون وجود اعتماد نمی‌توان به ایمنی اندیشید.

۲-۱. وجود ذهنی بر وجود عینی، حاکمیت (مرجعیت) دارد.

این سؤال مهم که احساس امنیت مهمتر است یا واقعیت‌های بیرونی؟ در مطالعات امنیتی معاصر پاسخ‌های متفاوتی یافته که از یک رویکرد واقع‌گرایانه (با اولویت عینیت) تا رویکرد آرمان‌گرایانه (با اولویت ذهنین) را شامل می‌شود (افتخاری ۱۳۸۱). اما در روایت اسلامی، پاسخی خاص و سازنده به این سؤال داده شده است و آن هم اینکه: «وجود ذهنی» که در حقیقت واقعیت دارد و دیگر واقعیت‌ها را باید درون آن فهم و معنا کرد. به همین خاطر است که مقولات درونی مبنا قرار گرفته و عینیت بیرونی درون آن معنا و ارزیابی می‌گردند. برای مثال «صبر» جبران‌کننده کمیت دانسته می‌شود:

«... إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِثْلِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِثَّةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ»  
(قرآن کریم. سوره مبارکه الانفاق (۸) بخشی از آیه شریفه ۶۵).

و یا «ایمان» به تصریح و کرات، موجب رهایی از ناامنی دانسته شده است.

«... فَمَنْ أَتَقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. ...  
إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ  
السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ  
الْحَيَاظِ...» (قرآن کریم. سوره مبارکه الاعراف (۷). آیات  
شریفه ۳۵ و ۴۰).

تاکید بر «خوف» و «حزن» معرف آن است که همه‌ی ناامنی‌های عینی و روانی موضوع این حکم بوده و ایمان، تقوا، صبر و ... مقولات دیگری از این قبیل می‌تواند، عینیت بیرونی را تغییر داده و معنایی مثبت برای آنها تولید کند (افتخاری ۱۳۸۳ - الف؛ افتخاری ۱۳۸۳ - ب).

## ۲. اصول راهبردی: اعتماد سازی و امنیت اجتماعی

با پذیرش این نظریه‌ی که امنیت جوامع از درون آنها بر آمده و کاملاً ماهیت هنجاری دارد؛ حال می‌توان با عنایت مقتضیات زمانی و مکانی جوامع معاصر (جوامع ملی) از راهبردهای زیر برای افزایش ضریب ایمنی جوامع مبتنی بر عامل مهم اعتماد ملی، سخن گفت. لازم به ذکر است که در چشم‌انداز اسلامی ارایه شده، اعتماد اگرچه مقوله‌ای درونی است که با وجود ذهنی قابل تعریف و شناخت است، اما کاربردهای امنیتی آن صرفاً به حوزه نرم‌افزاری منحصر نشده و چنان که بیان خواهد شد. دارای کاربردهای امنیتی در هر دو حوزه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است:

### ۲-۱. اعتماد و قدرت سخت

نسبت اعتماد با قدرت، دو سویه می‌باشد؛ بدین معنا که می‌توان از ره‌گذر تقویت اعتماد ملی به افزایش میزان قدرت ملی امیدوار بود؛ و بالعکس با افزایش قدرت ملی، میزان اعتماد به نفس ملی نیز ارتقاء می‌یابد. این تعامل در نهایت می‌تواند امنیت جامعه را ارتقاء بخشد. در نوشتار حاضر با توجه به قلمرو بحث صرفاً به تأثیرات مقوله اعتماد ملی بر روی توان ملی (با هدف ارتقاء امنیت) خواهیم پرداخت.

#### ۲-۱-۱. اعتماد ملی و توان ملی

اعتماد منجر می‌شود تا باور «توانستن» در جامعه نهادینه شود و از ره‌گذر نقد منصفانه «فرهنگ سیاسی» مسلط، راه را برای شکل‌گیری «عزم ملی» هموار سازد. با تحلیل فرهنگ‌های سیاسی (لرنر ۱۳۸۳؛ سریع‌القلم ۱۳۸۶) مشخص می‌شود که الگوهای تعریف شده و ترویج شده درون جوامع توانسته‌اند به افت توان ملی کمک کنند. بدین صورت که الگوهای فرهنگی منفی، معمولاً

روحیه عجز، ناتوانی، وابستگی و ... را درون جامعه می‌پراکند که در نهایت ضعف ملی و اعتماد به نیروی خارجی و یا اتلاف سرمایه‌های ملی را در پی دارد.

از این منظر لازم می‌آید در گام نخست هیمنه لایه متصلب فرهنگ سیاسی منفی شکسته شود و جامعه خود را باور نماید. [۴] در این صورت است که امکان تحول جامعه با هزینه‌ای کمتر و نتایجی مؤثرتر فراهم می‌آید. «پیتر کاتزنشتاین» (Peter Katzenstein) در «فرهنگ امنیت ملی» بر این اصل توجه ویژه دارد و معتقد است که بدون اصلاح فرهنگ امنیتی نمی‌توان به بهبود وضعیت امنیتی در داخل و حتی در مناسبات بین‌المللی نایل آمد (Katzenstein 1996). تحلیل‌های موردی «برینگتون مور» (Barrington Moore) نیز مؤید این مدعاست. آنجا که تمامی الگوهای نوسازی را تابعی از شرایط اجتماعی دانسته و نشان می‌دهد که جوامع مختلف به اشکال گوناگون می‌توانند طریق توسعه و ارتقای خویش را ترسیم کنند (Moore 1977).

مجموع این ملاحظات ما را به آنجا رهنمون می‌شود که باید «اعتماد» را به عنصری ثابت در فرهنگ سیاسی جوامع تبدیل ساخت تا بتوان از نتایج مثبت اعتماد در عرصه‌های مختلف و از آن جمله امنیت جامعه بهره برد. در غیر این صورت جامعه وضعیتی منفعل پیدا می‌کند که به دلیل تصویر نادرستش از خود و دیگران، مدام در آشوب و ناامنی به سر می‌برد. اصلاح این وضعیت قدرت «توانستن» را تولید می‌کند که به «نوآوری» و «شکوفایی» در جامعه منجر می‌شود.

## ۲-۱-۲. اعتماد ملی و بهره‌وری

اعتماد موجد قناعت است و این عنصر می‌تواند از طریق کاربردی کردن اصل «حداقل‌گرایی» به افزایش بهره‌وری در جامعه کمک کند. معنای این سخن طی

کردن مراحل رشد و ترقی در مدت زمانی کمتر نسبت به سایر بازیگران مشابه است. در واقع فناعت را می‌توان تفسیر جامعی از اصل «حداقل‌گرایی» دانست که در گفتمان اسلامی بر مزایای فردی و اجتماعی آن تأکید بسیار رفته است (مهدوی کنی ۲۰۰۲).

جهت درک این مدعا لازم است از منظر اقتصاد امنیتی به هدف مهم ارتقای امنیت جامعه نگریسته شود. تریف و همکاران وی (افتخاری ۱۳۸۱: ۳۱۲ - ۲۹۳) بر این باورند که امنیت‌سازی دارای هزینه اقتصادی بالایی است و آغاز این فرآیند در جهان پیچیده معاصر چندان ساده نمی‌باشد. با اینحال جوامع تلاش می‌نمایند تا به روش‌های گوناگون از عهده هزینه‌های اقتصادی امنیت برآیند. از میان این روش‌ها، پاره‌ای دارای پارادکس امنیتی می‌باشند؛ چرا که این کشورها به وابستگی اقتصادی و سیاسی رضایت می‌دهند، تا بتوانند جامعه خود را از تهدیدات عینی دیگران مصون دارند. بدیهی است که این الگو، آسیب‌پذیر و در نهایت ناامنی‌ساز است. [۵]

در مقابل کشورهای وجود دارند که با اتکاء به منافع ملی و بسیج نمودن امکاناتشان، تلاش می‌نمایند تا این بار را تحمل و از گردونه سخت سیاست‌گذاری مستقل امنیتی عبور نمایند. این مهم بدون رعایت اصل حداقل‌گرایی (یعنی بسنده نمودن به کمترین میزان مصرف با هدف تحقق اهداف ملی) میسر نیست. «فناعت» را می‌توان راهبردی مؤثر برای تأمین این هدف دانست که در آموزه‌های دینی بر آن تأکید رفته است. البته باید توجه داشت که بر خلاف اصل «حداقل‌گرایی»، فناعت وصفی موقتی نبوده و از این حیث متمایز از حداقل‌گرایی می‌باشد. با اینحال در این موضع دارای اشتراک و تأثیرگذاری واحدی هستند که می‌طلبند مورد توجه قرار گیرد.

با این توضیح مشخص می‌شود که «اعتماد» می‌تواند توجیه مناسب و خوبی را برای «قناعت‌پیشگی» در جامعه فراهم آورد و از این طریق به افزایش بهره‌وری از منابع موجود برای تأسیس امنیت در جامعه کمک نماید.

### ۳-۱-۲. اعتماد و کارآمدی

اگرچه امنیت یک خواست عمومی ارزیابی می‌شود که همگان نسبت به اهمیت و ضرورت تأمین آن اتفاق نظر دارند، اما معنای این سخن آن نیست که بواسطه این اجماع می‌توان نسبت به استقرار آن در جامعه به سادگی اقدام نمود. بررسی‌های آسیب‌شناسانه امنیتی حکایت از آن دارد که این مهم از دو ناحیه تضعیف می‌گردد:

اول. مداخله خارجی که تحت تأثیر شبکه بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی شکل گرفته و منجر می‌شود تا از طریق توطئه، جاسوسی، حمایت از گروه‌های خاص، عملیات روانی و یا ترور به ناامنی دامن بزنند.

دوم. عدم همراه جامعه و جدی نپنداشتن تهدیدات که سستی و کاهلی را در پی دارد و منجر می‌شود تا بهترین طرح‌های امنیت اجتماعی در عمل با ناکامی مواجه شوند.

مطابق این اصل «مجاهده» باید به اصلی پایدار در فرهنگ عمومی تبدیل شود. در این صورت است که اعتماد به نفس می‌تواند نتیجه‌بخش باشد. عبارت دیگر اعتماد بدون اهتمام، نه تنها نتیجه‌ی مثبتی در پی نخواهد داشت؛ بلکه می‌تواند موجب ناامنی نیز باشد. چرا که در پی این گونه از اعتماد، نوعی غفلت پدید می‌آید که جوامع را در معرض تهدیدات ناگهانی قرار می‌دهد. با این تغییر مشخص می‌شود که اعتماد به نفس ملی باید به ارتقای کارآمدی در جامعه منجر شود تا از این طریق امنیت‌سازی نماید و الا موجب غفلت و امنیت‌سوز خواهد بود.

## ۲-۲. اعتماد و قدرت نرم

وجه دیگر اعتماد در حوزه معادلات امنیتی، به تولید قدرت نرم باز می‌گردد که از بیشترین ارتباط با امنیت در جامعه معاصر برخوردار است. از زمانی که «جوزف نای» (Joseph Nyc) ایده «قدرت نرم» (Soft Power) را مطرح ساخت (نای ۱۳۸۷)، تاکنون به کاربردهای بسیاری از آن اشاره رفته است که از جمله آنها می‌توان به طرح ایده «امنیت نرم» (Soft Security) اشاره داشت. در قالب این الگوی تحلیلی، کاربردهای امنیتی عنصر اعتماد به نفس ملی عبارتند از:

### ۲-۲-۱. اعتماد و نفوذ

«لوسین پای» (Lucian Pyc) و همکارانش در «بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی» و در بحث از بحران «نفوذ» به مثابه یک مانع جدی در ارتقای سطح بهره‌برداری از منابع ملی اشاره داشته‌اند. «لاپالومبارا» نیز در همین راستا از گونه‌های مختلف بحران نفوذ در کشورهای گوناگون (از قبیل سرزمین‌های خالی، اختلافات منطقه‌ای، خودمختاری‌های جماعتی، و ...) سخن گفته که همگی دلالت بر این امر دارد که سیاست‌های ملی در اثر بحران نفوذ، کارآمدی خود را از دست می‌دهند (پای و دیگران ۱۳۸۰: ۳۵۸ - ۳۱۱).

اگرچه مطالعه پای و همکارانش در خور توجه می‌نماید، اما بدلیل توجه بیش از حد به موانع عینی از جامعیت لازم برخوردار نیست. برای مثال بحث «اعتماد به نفس ملی» به عنوان یک مؤلفه نرم‌افزارانه در مطالعه ایشان جایگاه مشخصی ندارد و این در حالی است که الگوهای نرم‌افزارانه نقش محوری را در این زمینه دارند (افتخاری و دیگران ۱۳۸۷ - الف). از این منظر، چند ملاحظه امنیتی برای اعتماد به نفس ملی می‌توان سراغ گرفت:

- اعتماد ملی منجر به اصلاح رابطه دولت و ملت و در نتیجه مدیریت بحران نفوذ در جامعه می‌گردد.

- اعتماد ملی منجر به تقویت روحیه ملی و در نتیجه کاهش مداخلات عوامل مزاحم در مناسبات دولت و ملت می‌گردد.
- اعتماد ملی به فعال‌سازی سیاست‌های مردم‌نهاد می‌شود که به کاهش بار دولت و تحصیل اهداف ملی با هزینه‌ای کمتر، منتهی می‌شود. مجموع این ملاحظات یعنی جامعه‌ای سالم‌تر، منسجم‌تر و کارآمدتر در تعریف، تحصیل و صیانت از امنیت خود. [۶]

### ۲-۲-۷. اعتماد و سرمایه اجتماعی

بحث «سرمایه اجتماعی» (Social Capital) در مدت زمانی اندک توانسته است در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مطرح شود. به گونه‌ای که امروزه اندیشه‌گران تحلیل موقعیت جوامع مختلف را بدون توجه به سرمایه اجتماعی آنها غیرممکن می‌دانند. با اینحال توجه تحلیلگران امنیتی به این موضوع از اهمیتی دو چندان برخوردار است؛ چرا که سرمایه اجتماعی برای آنها به مثابه منبع منحصر بفردی جهت امنیت‌سازی مطرح می‌باشد. دلیل این امر آن است که این منبع قدرت بر خلاف منابع سخت‌افزاری یا منطبق «حاصل جمع صفر» کار نمی‌کند و تابع «منطق با حاصل جمع مثبت» است. [۷] با این تفسیر مشخص می‌شود که جوامع از ناحیه افزایش اعتماد به نفس ملی‌شان می‌توانند در چند سطح به افزایش سرمایه اجتماعی‌شان و در نتیجه تقویت امنیت جامعه کمک کنند:

- اعتماد ملی به تقویت جایگاه دولت ملی درون جامعه کمک می‌کند و در نتیجه دولت‌ها قادر خواهند بود به نحو بهتری از عهده سیاست‌های امنیتی خود در سطح جامعه برآیند.
- اعتماد ملی به تولید و تقویت سایر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در جامعه کمک می‌کند (مانند اعتبار، اعتماد به دولت، اصلاح شبکه



روابط اجتماعی و ...) و از این طریق جامعه را در تحقق اهداف امنیتی‌اش یاری می‌رساند.

خلاصه کلام آن که اعتماد ملی، خاستگاه قابل اتکایی برای افزایش سرمایه اجتماعی به حساب می‌آید. برای همین هم است که در مقام سیاستگذاری عمومی در این بخش، کارشناسان بر این اعتقادند که باید از پایه‌ای‌ترین لایه‌ها (یعنی عناصر درونی افراد) آغاز نمود و با اصلاح تربیت و فرهنگ به ارتقای سطح سرمایه اجتماعی امیدوار بود. ویژگی منحصر بفرد اعتماد ملی، در مقام مقایسه با سایر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی آن است که از چنین امتیازی برخوردار است.

### ۳-۲-۲. اعتماد و اخلاق

آخرین وجهی که در این قسمت لازم است به آن اشاره شود، نقش سازنده‌ای است که اعتماد ملی در تعریف و نهادینه نمودن اصول اخلاقی در هر جامعه‌ای بر عهده دارد. اگرچه یک اخلاقیات عموماً حاصلت‌های فردی هستند؛ اما اگر بصورت یک فرهنگ درون جامعه نهادینه نشوند، به آسیب‌پذیری سیاست‌های ملی منجر می‌شود. نبود اخلاق منجر می‌شود تا نظام‌های سیاسی با بحران‌های ناشی از «محرومیت نسبی» مواجه شوند. تد رابرت گار (Ted Robert Gurr) در این زمینه با اشاره به منحنی جی که بین خواسته‌ها و کارویژه‌های نظام سیاسی در هر جامعه‌ای پدید می‌آید؛ اظهار می‌دارد که: گونه‌ای از بحران ناشی از محرومیت نسبی در شرایطی رخ می‌دهد که جامعه مسیر تغییر و تحول را شروع کرده، اما بدلیل عدم اعتمادی که به ظرفیت‌های خود دارد (بدلیل تجارب منفی گذشته و یا نوع فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه) دچار نوعی ناباوری می‌شود. در نتیجه این وضعیت است که با رسیدن به مقطع «فشار نهایی» - یعنی جایی که منحنی تحول به اوج خود

رسیده و پس از آن می‌خواهد شرایط رو به بهبود بگذارد - جامعه دچار زلزله شده و بسیار در پی منافع کوتاه مدت خود از همراهی با تحول ملی باز می‌مانند. این پدیده به فروپاشی از درون منجر می‌شود که بسیاری از کشورهای در حال توسعه نمونه آن را تجربه کرده‌اند (گار ۱۳۷۷: ۹۴-۳۱).

راه‌کار برون‌رفت از این موقعیت، ترویج اصول اخلاقی به مثابه یک عنصر از فرهنگ سیاسی و عمومی است. البته این مهم نیز به سادگی رخ نمی‌دهد، مگر آن که اعتماد ملی به نوعی درون جامعه پدید آمده باشد. اعتماد به دلیل ظرفیت بالا و وجه ایجابی‌ای که دارد، دشواری التزام به اصول اخلاقی را قابل قبول ساخته و آن را به یک هنجار تبدیل می‌نماید. در این صورت است که «عمل اخلاقی» نه تنها دشوار نیست بلکه لذت‌بخش نیز می‌نماید.

### نتیجه‌گیری

«جو اعتماد هنگامی به وجود می‌آید که اشخاص از یکدیگر انتظار داشته باشند، قواعدی مشخص و معین را در معاملاتی که با هم دارند رعایت کنند» (مک کلنن ۱۳۸۴: ۲۷۷).

معمولاً تحلیلگران «اعتماد» را چنان که «مک کلنن» اشاره کرده، در مناسبات بین دو بازیگر به بحث می‌گذارند و به همین خاطر است که از «فضای بازار» به عنوان فضای مبنا در تحلیل اعتماد استفاده می‌شود. اما کاربرد «اعتماد» به این فضا منحصر نشده و می‌توان از اعتماد به عنوان مقوله‌ای شخصیتی یاد کرد که از طریق انگیزش درونی به تأثیرگذاری در پدیده‌های بیرونی بازگشت به خویشتن ملی را تداعی می‌نماید که معمولاً تجربه‌ای شخصی ارزیابی می‌گردد.

در مقاله حاضر نگارنده از این رویکرد به تحلیل اعتماد ملی پرداخته است؛ در واقع آن را عنصری از فرهنگ سیاسی و فرهنگ عمومی دانسته که در تولید امنیت جامعه و تقویت آن تأثیرگذار است. درک این نسبت بدون بازاندیشی در تلقی ما از امنیت، میسر نیست. به همین خاطر گفتمان ایجابی از

امنیت که در آن، امنیت مقوله‌ای اجتماعی ارزیابی می‌شود؛ پیشنهاد شده است. مطابق این گفتمان امنیت از یک مقوله منفصل از جامعه که توسط قدرت حاکمه برای اداره جامعه طراحی و ساخته می‌شود؛ تغییر معنا و هویت داده و به مقوله‌ای برآمده از جامعه تبدیل می‌شود. بر این اساس هنجارها جزو ماهوی امنیت جامعه هستند و به همین خاطر است که «اعتماد ملی» به مثابه یک عنصر هنجاری می‌تواند از دو طریق به ارتقای امنیت اجتماعی شده کمک کند: اول. از طریق تولید قدرت سخت که اصلاح فرهنگ سیاسی، نهادینه کردن قناعت و در نهایت توسعه توان ملی را در پی دارد.

دوم. از طریق تولید قدرت نرم که تقویت سرمایه اجتماعی نهادیه کردن اخلاق و در نهایت توسعه نفوذ نظام سیاسی درون جامعه را در پی دارد. توجه به این دو ملاحظه از آن روی مهم است که نشان می‌دهد سازوکارهای تقویت یا تضعیف قدرت نرم، کدامند؟ بعبارت دیگر نقاط آسیب‌پذیر قدرت نرم. مطابق الگوی تحلیلی حاضر بسیار فراگیرتر از آن چیزی است که در متون متعارف بدان اشاره رفته و مقولات مهمی چون اخلاق، ایمان، دوستی، و ... را نیز شامل می‌شود.